

جنبش اصلاح طلبی و مخالفین آن

طرح اصلاحات اساسی در جامعه ایران به خاطر دشمنانی که پیدا کرده و تفسیرهای نادرست و ناروایی که از آن به عمل می‌آید خود به یک چالش جدی تبدیل شده است. از یک سو حامیان سرکوب و مقابله همه جانبه و ریشه‌ای با اصلاحات، به تئوریزه کردن خشونت و «اسلامی» جلوه دادن روش‌های ناصحیح و ضد اصلاحات پرداخته‌اند و از تریبون‌های مختلف به نظریه‌پردازی‌های خود از موضع شرعی و فقهی پر و بال می‌دهند تا در افکار عمومی مردم در برابر جریان اصلاح طلبی یک سد و مانع فکری و ذهنی ایجاد کنند. چون این‌گونه ترفندها در ذهنیت مردم که سخت به اصلاحات دل بسته‌اند موثر واقع نمی‌شود، دشمنان اصلاحات هر روز شیوه‌های تازه‌ای را برای مصاف با آن ابداع می‌کنند: یک روز از اصلاحات امریکایی سخن گفته می‌شود تا بنیاد اصلاحات اساسی زیر سوال برود و زمان دیگر به تفسیر اقتصادی از اصلاحات پرداخته می‌شود تا مشکل سیاسی جامعه به فراموشی سپرده شود. در نهایت دو گروه که پیشرفت پروژه اصلاحات را به نفع خود نمی‌دانند بلکه آن را مساوی با نابودی خود ارزیابی می‌کنند از درون و بیرون مرزها محیط را هر چه بیشتر آشفته و آب را گل‌آلود می‌کنند تا از آن ماهی خود را بگیرند.

این دو گروه از یک طرف جناح راست افراطی و از سوی دیگر چپ افراطی ضدانقلاب است که هر چند از راه‌های متفاوت لکن هدف مشترکی را دنبال می‌کنند، جناح راست افراطی و قدرت طلب، که اعتقادی به رکن جمهوریت نظام ندارد و تکیه بر اسلامیت را بهانه حفظ قدرت خود قرار داده است، در ضدیت با اصلاحات تا سر حد نابودی همه مظاهر دموکراسی و سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی و ترور و محاکمه شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی و در هم پیچیدن یکباره و یکپارچه مطبوعات و با سوء استفاده از قانون و شرع به ظاهر کار خود را به پیش می‌برند. گروه افراطی دیگر با هدف براندازی و از هم‌پاشی نظام جمهوری موفقیت جنبش اصلاح طلبی را به ضرر استراتژی براندازی می‌دانند، بنابراین از هر نوع اقدامی برای متوقف ساختن اصلاحات، با توسل به خشونت‌های فیزیکی، از حمله و هجوم گرفته تا پرتاب خمپاره به ایجاد رعب و وحشت در میان مردم روی گردان نیست! آیا به واقع این هر دو گروه از آبشخور واحدی تغذیه نمی‌کنند و آیا گروه راست دانسته و ندانسته آب به آسیاب دشمنان ملک و ملت نمی‌ریزد و آیا در ضدیت با اصلاحات و استقرار جامعه مدنی و مشارکت سیاسی مردم از طرق مسالمت‌جویانه برخلاف منافع ملی و پروژه مردم‌سالاری قدم بر نمی‌دارد؟ جالب این که این هر دو گروه افراطی علی‌رغم تضاد بنیانی که با هم دارند، در ضدیت با اصلاحات گویی کاملاً هماهنگ عمل می‌کنند و برای تبلیغ علیه اصلاحات در سطح جهانی، همزمان به حادثه‌آفرینی می‌پردازند تا شاید به هدف واحدی که همانا متوقف ساختن یا بی‌اثر جلوه دادن اصلاحات است دست پیدا کنند. راست افراطی با تبلیغ خشونت و اقدامات ضد

دموکراتیک در جهت حفظ منافع اقتدارگرایان و انحصارطلبان و چپ افراطی در آلترناتیوی که از خود ساخته است با هدف براندازی به این اقدامات ضدانسانی و ضدملی دست می‌زنند، اما هر دو گروه در نهایت به حفظ منافع امپریالیسم اقتصادی و صهیونیسم بین‌الملل به قیمت شکست یا توقف اصلاحات مدد می‌رسانند. ولی هر دو گروه باید بدانند که اولاً شکست اصلاحات مترادف با پیروزی آن‌ها نخواهد بود، ثانیاً اگر بر فرض محال هر کدام از آن‌ها به مقاصد شوم خود برسند، به دیگری کوچکترین امکانی یا امتیازی نخواهند داد.

از طرف دیگر باید پرسید که هدف واقعی اصلاحات چیست و چرا عده‌ای به توقف یا طرد اصلاحات یا انحراف آن کمر بسته‌اند و از هیچ روش خشونت‌آمیز و جنایتی در این راه فروگذار نمی‌کنند؟ اگر منظور از اصلاحات، مقابله با مفسد اقتصادی، اداری و انحراف از اصول و آرمان‌های اصلی و اولیه انقلاب و تامین حقوق اساسی ملت بر اساس قانون اساسی است، چنین حرکتی طبیعتاً در جهت رفع ظلم و نفی منافع گروه‌های خاصی است که با استفاده از موقعیت ممتاز و تکیه بر شعارهای تند و انقلابی، اما توخالی و بی‌محتوا، منافع ملی را به سمت رانتهای خصوصی منحرف کرده و در جهت منافع خود از آن بهره‌گیری می‌کنند و حاضرند در هر شرایطی منافع ملی را قربانی منافع شخصی و گروهی خود بنمایند. در عین حال با پیشرفت حرکت اصلاحی موقعیت خود را در خطر دیده هیچ‌گونه آینده‌ای جز سقوط برای خود نمی‌بینند. لذا آخرین تلاش‌های خود را برای اغفال مردم و گرم نگه‌داشتن مشتریان معدود خود به عمل می‌آورند.

برخی از مخالفین جنبش اصلاح‌طلبی در ایران، با انگیزه تخطئه اصلاح‌طلبی، آن را با سرنوشت اصلاحات گورباچف در اتحاد جماهیر شوروی سابق مقایسه می‌کنند و هشدار می‌دهند، این یک مقایسه نادرست است زیرا نه ایران شوروی و نه خاتمی گورباچف است. پس این مقایسه بلاموضوع چه معنایی دارد؟ آیا اینان نمی‌دانند که در سطح جهانی دو گروه عمده، گورباچف را، عامل آمریکا و از هم‌پاشیدگی شوروی سابق را، توطئه آمریکایی می‌دانند و تبلیغ می‌کنند؟ گروه اول کمونیست‌های قدیمی (در ایران نورالدین کیانوری و یارانش)، گروه دوم راست‌های افراطی در حزب جمهوری‌خواه آمریکا. اما واقع قضیه از دید اسلامی این است که رسول خدا (ص) فرمود: «الملك یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم» در شوروی سابق هم کفر بود و هم ظلم. بنابراین احتمال سقوط به توان دو بود. سرنوشت محتوم شوروی سابق فروپاشی بود. بلشویک‌ها و استالینیست‌های حاکم بر شوروی سابق، برای مدت هفتاد سال اجازه کمترین انتقادی از حاکمیت و رهبران را ندادند و در این راه آن‌چنان با مشت فولادین (استالین یعنی فولاد) عمل کردند که حتی از نزدیک‌ترین یاران دوران انقلاب هم صرف‌نظر نکردند و تا پایان دهه ۱۹۳۰ کلیه اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست، که جملگی از ارکان انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ بودند، سر به نیست شدند.

آن‌چه در شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی رخ داد، اجتناب‌ناپذیر بود و پیامد طبیعی واقعیات حاکم بر تفکر و عملکرد آنان بود.

آیا به بهانه مخالفت با جنبش اصلاحات در ایران و نفی سیاست‌های گورباچف و دشمنی با امپریالیسم آمریکا باید از حاکمیت سرکوبگر، ظالم، جنایتکار و توتالیتر استالین و اذنباش دفاع کرد؟ خوشبختانه جنبش اصلاح‌طلبی ایران در روند تاریخی خود به آن حد از هوشمندی و بلوغ فکری رسیده

است که در مقابله با تحریک آمیزترین روش‌ها و خشن‌ترین برخوردها و انواع حق‌کشی‌ها بتواند سعه‌صدر به خرج داده، خونسردی خود را حفظ کند، تا در روند طبیعی توسعه سیاسی اختلالی ایجاد نشود، نمونه بارز آن برخورد هوشمندانه دانشجویان دانشگاه علیرغم حکم غیرعادلانه متهمین حمله به کوی دانشگاه در سالگرد این حادثه تلخ و شوم است که با آرامش کامل برگزار شد.

نهضت آزادی ایران تنها راه خروج از بن‌بست فعلی سیاسی و گشودن گره مشکلات مملکت را، کمک صادقانه به برنامه اصلاحات سیاسی و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی و مشارکت مردمی، قانون‌مداری و قانون‌گرایی می‌داند و صادقانه از آن پشتیبانی می‌نماید. بنابراین اقدامات افراطیون اعم از سرکوب جنبش اصلاح‌طلبی و یا پرتاب خمپاره در درون شهرها را ضدیت با اصلاحات، خلاف مصالح ملی و منافع سیاسی مردم ارزیابی می‌کند و آن را شدیداً محکوم می‌کند. نهضت آزادی ایران در عین حال تعریف‌های ریاکارانه، نادرست و انحرافی را که از طرح اصلاحات می‌شود، خلاف واقع و تفرقه‌افکنانه می‌داند و معتقد است که حرکت اصیل اصلاحی مردم‌سالاری راهی روشن است و تغییر مسیر اصلاحات برای ضربه زدن به نظام مردم‌سالاری و حفظ سلطه جریان‌های سیاسی-اقتصادی به نفع جناح راست افراطی است.

نهضت آزادی ایران با بهره‌گیری از تجربیات ممتد تاریخی، چه در برخورد با هژمونی اقتدارگرایان انحصارطلب و چه در برخورد با حرکات جنایت‌آمیز گروه‌های افراطی راست و چپ به دلیل پیامدهای سنگین و رقت‌باری که این‌گونه حرکات برای مردم و مملکت به بار می‌آورد و نتایج سودمندی که برای قدرت‌های زورمند و صهیونیسم بین‌الملل دارد همچنان صبورانه اما معترضانه با آرامش و متانت در برابر تحریکات و هرج و مرج‌طلبی و ناامنی، شکیبایی و مقاومت از خود نشان می‌دهد و از هیچ تلاشی برای تنش‌زدایی و بازگرداندن آرامش به جامعه و استقرار حاکمیت مردم با شیوه‌های منطقی و قانونی، فروگذار نمی‌کند، و در این راه خداوند منان و مردم آزاده و آگاه ایران را یاور و مددکار خود می‌داند. العاقبه للمتقین.

نهضت آزادی ایران